خیلی ممنون

متشکرم

با تشکر از وزیر نیرو Provost Fenves Deans

اعضای هیات علمی دانشکده، خانواده‌های آنها و دوست‌هایشان

و به‌خصوص تشکر می‌کنم از ورودی سال ۲۰۱۴

باعث افتخار من است که امروز این‌جا هستم

تقریبا ۳۷ سال از زمانی که من از دانشگاه دانشگاه تگزاس فارغ‌التحصیل شدم، می‌گذرد

از روز فارغ‌التحصیلی‌ام خاطرات زیادی دارم، مثلا این‌که سردرد وحشتناکی داشتم به‌خاطر این‌که شب قبل در جشن حضور داشتم

به یاد دارم که دوست دختری داشتم که بعدا با او ازدواج کردم

که البته موضوع بسیار مهمی است برای به‌یاد داشتن

و به یاد دارم که در آن روز از طرف نیروی دریایی ماموریتی دریافت کردم

اما تنها چیزی که به یاد ندارم این است که نمی‌دانم سخنران جشن که بود و اصلا یادم نیست که چه گفت!

پس با توجه به همین، اگر نتوانم این سخنرانی را به‌یاد ماندنی کنم پس تلاش می‌کنم کوتاه صحبت کنم

شعار این دانشگاه این است: «چیزی که این‌جا اتفاق می‌افتد دنیا را تحت تاثیر قرار می‌دهد»

باید اعتراف کنم که از این شعار خوشم می‌آید چیزی که این‌جا اتفاق می‌افتد دنیا را تغییر می‌دهد

امشب ۸۰۰۰ نفر دانشجو، در واقع بیش از ۸۰۰۰ نفر دانشجو این‌جا هستند که قرار است فارغ‌التحصیل بشوند

براساس نمونه اطلاعات دقیق وب‌سایت Ask.com گفته می‌شود که یک شهروند عادی آمریکا در طول عمرش نزدیک به ۱۰۰۰۰ فرد دیگر را ملاقات می‌کند

۱۰۰۰۰ نفر آمار بالایی است، اما اگر هر کدام از شما زندگی ۱۰ نفر را تغییر دهد

و آن ۱۰ نفر نیز زندگی ۱۰ نفر دیگر را تحت تاثیر قرار دهند و به همین منوال ۱۰تای دیگر

طی پنج نسل آینده و ۱۲۵ سال پیش‌رو، ورودی ۲۰۱۴ زندگی ۸۰۰ میلیون نفر را تغییر داده است

۸۰۰ میلیون نفر! کمی درباره این عدد فکر کنید

دو برابر جمعیت ایالات متحده زندگی دیگر افراد را تغییر دهند، شما زندگی تمامی انسان‌های کره زمین را تغییر داده‌اید؛ ۸ میلیارد نفر

اگر فکر می‌کنید تغییر دادن زندگی ۱۰ نفر کار سختی است، آن هم تغییر دادن‌شان برای همیشه، شما در اشتباهید

من در عراق و افغانستان دیدم که هر روز چنین اتفاقی رخ می‌دهد

یک افسر جوان تصمیم می‌گیرد به‌جای این‌که به چپ برود، در بغداد به سمت راست حرکت کند و ۱۰ سرباز همراه او از کمین دشمنان نجات می‌یابند

در استان Tenderheart در افغانستان یک افسر از تیم عملیانی زنان بدون این‌که ماموریتی داشته باشد حس می‌کند یک جای کار می‌لنگد و جوخه پیاده نظام را از یک I Edie ۵۰۰ پاندی نجات می‌دهد

ولی وقتی به آن فکر کنید، می‌بینید که نه‌تنها جان آن افراد توسط تصمیم یک نفر نجات یافت، بلکه جان بچه‌های او نیز نجات یافتند و به همین منوال جان نسل‌ها انسان نجات یافت توسط تصمیم یک فرد، یک انسان

تغییر دنیا می‌تواند هر جایی صورت بگیرد

پس چیزی که این‌جا اتفاق می‌افتد ۱۰۰٪ روی دنیا تاثیر می‌گذارد

اما سوال این‌جاست که وقتی شما دنیا را تغییر می‌دهید سپس چه شکلی خواهد شد

من مطمئن هستم که بسیار بهتر و خوش‌چهره‌تر خواهد شد

اما اگر می‌خواهید کمی بیشتر به این ملوان پیر فرصت بدهید، من پیشنهاداتی دارم برای شما تا بتوانید دنیای بهتری بسازید

با این‌حال که این آموزه‌ها را وقتی آموختم که مشغول خدمت بودم، ولی به شما اطمینان می دهم که فرق نمی‌کند کجا و با چه یونیفرمی خدمت می‌کنید

فرق نمی‌کند مرد یا زن باشید، مذهب‌تان چیست، گرایش جنسی‌تان چیست و موقعیت اجتماعی‌تان چیست

درگیری‌های ما در دنیا مشابه هستند و برای مقابله با آنها و تغییر خودمان و دنیا، همگی باید خدمت کنیم

من ۳۶ سال در نیروی دریایی خدمت کردم، اما همه چیز از زمانی شروع شد که من تحصیلم در این‌جا را به پایان رساندم و برای آموزش‌های ابتدایی به کرونادو کالیفرنیا رفتم

دوره آموزشی نیروی دریایی ۶ ماه طول می‌کشد

در بیابان و شن‌ها نرم آن و دریای سرد سن دیگو

عبور از موانع، ورزش‌های پایان‌نیافتنی و روزهای بدون خواب

همیشه سردتان است، خیس هستید و بیچاره!

شش ماه مدام توسط حرفه‌ای‌ها و درجات بالاتر اذیت می‌شوید تا آنها متوجه شوند هیچ فرد ضعیفی چه از نظر ذهنی و چه بدنی عضو نیروی دریایی نشود

آنها همچنین دنبال کسانی هستند که در شرایط استرس‌زا و بحرانی بتوانند رهبری کنند

از نظر من شش ماه دوره آموزشی چالش‌ها و سختی‌های یک عمر است که در شش ماه فشرده شده

الان من ۱۰ درسی که در این دوره گرفتم را برای شما بازگو می‌کنم تا در زندگی خود بتوانید از آنها استفاده کنید

در آن زمان، هر روز صبح مربی‌های من که همگی سربازان دوره جنگ ویتانم بودند

آنها هر روز صبح وارد اتاقم می‌شدند و اولین کاری که می‌کردند بازرسی تخت‌ام بود

تخت‌ام می‌بایست مرتب شده باشد، می‌بایست همه گوشه‌ها صاف و تمیز باشند، بالش دقیقا در موقعیت زیر سرم باشد و تشک اضافی نیز نزدیک به قفسه باشد

کار آسانی بود، در بهترین حالت یک کار روزانه و خسته‌کننده بود

اما هر روز از ما انتظار می‌رفت که این کار را بکنیم با این‌که در آن زمان برای ما احمقانه به‌نظر می‌رسید چون ما انتظار داشتیم که جنگجوهای نیروی دریایی نباید چنین کارهایی بکنند!

اما فایده انجام این کار ساده بارها به من ثابت شده

اگر هر روز صبح تخت‌تان را مرتب کنید، اولین کار آن روز را انجام داده‌اید

انجام این کار به شما حس ناچیزی از غرور می‌دهد، حسی که باعث می‌شود به انجام کار و کارهای بعدی مشغول شوید

آخر روز، متوجه می‌شوید که این کار کوچک و ناچیز باعث شد شما کارهای بزرگ‌تری را پیش می‌برید و همین به شما ثابت می‌کند که چیزهای کوچک در زندگی مهم هستند

اگر شما کارهای کوچک را به درستی انجام ندهید، کارهای بزرگ را نیز نمی‌توانید انجام دهید

حتی اگر روز بدی را پشت سر بگذارید، وقتی به خانه برمی‌گردید حداقل تخت خواب‌تان مرتب است!

تخت خوابی که شما مرتب کردید و یک تخت خواب مرتب به شما ندای فردای بهتری را می‌دهد

اگر می‌خواهید دنیای بهتری بسازید، اول صبح تخت‌تان را مرتب کنید

طی دوره آموزشی، همه افراد به چند گروه تقسیم می‌شوند

هر گروه ۷ نفر عضو دارد و این اعضا در یک قایق لاستیکی جا می‌شوند و هر سه نفر از آنها در یک سمت قایق جا می‌گیرند و یک کاکون تا کمک‌شان کند قایق را برانند

هر روز گروه شما شکل می‌گیرد تا مسیری را روی سطح آب طی کند و سپس پس از دور شدن از ساحل وارد عمق آب شود

در زمستان امواج دریای سان دیگو تا ۱۰ فیت ارتفاع دارند و خیلی سخت است که روی سطح چنین آبی حرکت مگر این‌که همه پارو بزنن و کمک کنند

هر پارو باید با ریتم کاکون قایق هماهنگ باشد، وگرنه قایق واژگون می‌شود و در شرایط ناخوشایندی توسط جریان آب به ساحل برمیگردد

برای این‌که قایق به مقصد برسد، همه باید پارو بزنند

شما نمی‌توانید به تنهایی دنیا را تغییر دهید و به کمک نیاز خواهید داشت

تا به مقصد برسید به دوستان، همکاران، کمک غریبه‌های خوش‌نیت و یک کاکون نیاز دارید

اگر می‌خواهید دنیا را تغییر دهید، یاد کسی را پیدا کنید که با شما پارو بزند

بعد از چند هفته تمرین و دوره آموزشی بسیار سخت، از ۱۵۰ متقاضی ابتدایی، ۴۲ نفر باقی ماندند و یعنی ۶ قایق با ۷ عضو

من در گروهی بودم که همگی بلندقد بودند ولی بهترین گروهی که داشتیم، گروه کوتاه قدها بود

ما به آنها گروه مانچکن می‌گفتیم و هیچ کس در آن گروه قدش بیشتر از ۵ فوت نبود

این گروه متشکل شده بود از یک سرخ‌پوست، یک آفریقایی-آمریکایی، یک هلندی-آمریکایی، یک یونانی-آمریکایی، یک ایتالیایی-آمریکایی و دو پسر سرسخت از میدوست آمریکا

آنها از هر نظر از دیگر گروه‌ها برتر بودند؛ چه سرعت پارو زدن، چه دویدن و چه شنا کردن

بقیه گروه‌ها با این گروه شوخی می‌کردند؛ مخصوصا با کفش‌های قواصی آنها

اما در واقع آنها بودند که همیشه در آخر به بقیه میخندیدند

گروهی متشکل از چهار گوشه دنیا که سریع‌تر از همه به ساحل می‌رسید

عدالت در نیروی دریایی کاملا برقرار بود

هیچ‌چیزی جز اراده و تصمیم شما برای موفقیت مهم نبود

نه رنگ پوست‌تان، نه مذهب‌تان، نه تحصیلات‌تان و نه موقعیت اجتماعی‌تان

اگر می‌خواهید دنیا را تغییر دهید، مردم را براساس بزرگی قلب‌شان رتبه‌بندی کنید؛ نه براساس بزرگی کفش‌هایشان

چند دفعه در هفته، مربی‌ها کلاس را به صف می‌کردند و یونیفرم‌های همه را بازرسی می‌کردند

می‌بایست کاملا اتوکشیده و تمیز حاضر می‌شدید

کمربندتان می‌بایست بدرخشد و لکه‌ای روی آن نباشد

اما مهم نبود چه‌قدر در پوشیدن کلاه خود، اتو کشیدن یونیفرم خود و تمیز نگه داشتن کمربندتان تلاش کنید، هیچ وقت تلاش‌های شما کافی نبود و مربی‌ها همیشه یک اشکال پیدا می‌کردند

هر متقاضی که اشکالی در ظاهرش دیده می‌شد، می‌بایست تا لب ساحل و سطح آب بدود و خیس برگردد

سپس او می‌بایست کامل روی شن‌های ساحل غلت بخورد تا کاملا در شن پوشیده شود

ما به این وضعیت می‌گفتیم کلوچه قندی

در ادامه روز در همان یونیفرم باقی می‌ماندید؛ سرد، خیس و شنی

برخی متقاضی‌ها بودند که نمی‌توانست درک کنند چرا تلاش‌هایشان هیچ‌وقت کافی نیست

آنها از پس دوره آموزشی برنیامدند و همان‌ها متوجه نشدند که قرار نیست هیچ‌وقت یونیفرمی بی‌عیبی داشته باشند زیرا دلیل مجازات این کار چنین بود که به شما بفهماند شما قرار نیست موفق شوید، قرار نیست یونیفرم بی‌عیبی داشته باشید

بعضی مواقع مهم نیست هر چه‌قدر که شما فوق العاده و بی‌عیب عمل کنید، در نهایت شما تبدیل به یک کلوچه قندی می‌شوید

بعضی مواقع زندگی همین است

اگر می‌خواهید دنیا را تغییر بدهید، هر وقت کلوچه قندی شدید متوقف نشوید و ادامه دهید

هر روز دوره تمرینی شما با چالش‌های فیزیکی زیادی روبه‌رو می‌شدید

دوندگی‌های طولانی، شناهای طولانی، مسیرهایی با موانع، ساعت‌ها نرمش

هر چالش هویت خاص خود را داشت و معیارهای خودش را

اگر این معیارها را رعایت نمی‌کردید، اسم‌تان در لیستی ثبت می‌شد که در آخر روز افراد آن لیست به یک حلقه دعوت می‌شدند

این حلقه مجبور به نرمش برای دو ساعت بیشتر می‌شدند

هدف از این کار در هم شکستن شما بود تا شما مجبور به ترک کردن نیروی دریایی شوید

هیچ‌کس از این حلقه خوشش نمی‌آمد

این حلقه نشان می‌داد که شما در آن روز به‌خوبی عمل نکردید

این حلقه نشان می‌داد که شما مسیر روبه‌رویتان سخت‌تر می‌شود و در روزهای آتی نیز باید منتظر سختی‌های بیشتری باشید

هیچ‌کسی نبود که یک بار هم در این لیست و این حلقه قرار نگیرد

اما یک اتفاق جالب برای افراد این حلقه افتاد

بعد از گذشت زمان، افرادی که روزانه دو ساعت بیشتر نرمش می‌کردند، قوی‌تر شدند

متحمل شدن درد حلقه باعث شد افراد از نظر فیزیکی قوی و مقاوم بشوند

زندگی سرشار از این حلقه‌هاست

شما شکست می‌خورید و اغلب اوقات این اتفاق برای شما می‌افتد

این اتفاق دردناک است، روحیه شما را به‌هم می‌ریزد و شما را از درون تکان می‌دهد

اما اگر می‌خواهید دنیا را تغییر بدهید، از حلقه‌ها نترسید

حداقل دوبار در هفته متقاضیان مجبور به طی کردن مسیر با موانع می‌شدند

این مسیر ۲۵ مانع داشت، یک دیوار ۱۰ فوتی، یک شبکه ۳۰ فوتی از محموله کشتی، مانعی متشکل از سیم‌های خراشیده شده و غیره

اما سخت‌ترین مانع «لغزش برای زندگی» نام داشت که یک برج سه‌گانه ۳ فوتی در خود داشت و یک برج دیگر در سمت دیگر خود جا داده بود

بینابین این برج‌ها یک طناب به‌طول ۲۰۰ فوت وجود داشت

شما می‌بایست برج‌های سه‌گانه را فتح کنید و وقتی به بالا رسیدید، طناب را بگیرید و از پایین آن آرام‌آرام دست خود را به جلو ببرید تا به مقصد برسید

رکورد طی کردن این مسیر سال‌ها ثابت مانده بود تا وقتی که کلاس من در سال ۱۹۷۷ شروع شد

این رکورد به‌نظر ناشکستنی بود

اما یک روز یکی از دانش‌آموزها تصمیم گرفت که این رکورد را بشکند و به‌جای این‌که پایین طناب را بگیرد و طناب وزنش را از پایین تحمل کند، تصمیم گرفت از بالای طناب حرکت کند و به جلو برود

این کار، کار خطرناکی بود؛ کاری احمقانه و پیوند‌خورده با ریسک

شکست در طی کردن مسیر مساوی بود با آسیب شدید و اخراج از دوره آموزشی

بدون درنگ، دانش‌آموز مذکور بسیار سریع روی طناب لغزید

به‌جای طی کردن مسیر در چند دقیقه، او این مسیر را در ۳۰ ثانیه طی کرد و بعد از رسیدن به نقطه پایانی مسیر، او رکورد جدیدی ثبت کرد

اگر می‌خواهید دنیا را تغییر دهید، بعضی مواقع‌ باید با سر از جلو با موانع روبه‌رو شوید

در فاز تمرینی نبرد زمینی، دانش‌آموزان به جزیره سینت کلمنت در سان دیگو فرستاده می‌شوند

آب‌های این جزیره محل زندگی کوسه‌های سفید هستند و برای گذراندن این بخش از دوره آموزشی دوره‌های شنا طولانی می‌بایست انجام شود

یکی از این شناها «شنای شب» است که مربی‌ها با لذت تمام از شرح انواع گونه‌های کوسه که در مسیر قرار داد می‌گفتند

هر چند آنها به شما اطمینان می‌دهند که تا الان هیچ دانش‌آموزی توسط کوسه خورده نشده، چون به شما آموزش داده می‌شود که وقتی یک کوسه در نزدیکی شما شنا می‌کند، فرار نکنید، سر جای خود بایستید، نترسید

اگر کوسه‌ای در نیمه‌شب به‌خاطر گرسنگی به سمت شما حمله‌ور شد، شما می‌بایست از نیروی درونی خود بهره ببرید و وقتی نزدیک شما شد مشتی به پوزه او بکوبید و سپس می‌بینید که کوسه برمی‌گردد و بر خلاف جهت شما شنا می‌کند

کوسه‌های زیادی در دنیا وجود دارند، اگر شما می‌خواهید شنا را به پایان برسانید، باید با آنها روبه‌رو شوید

پس اگر می‌خواهید دنیا را تغییر دهید، از کوسه‌ها نترسید

به عنوان نیروی دریایی، یکی از کارهای ما این است که حملات دریایی و زیر سطح آب تدارک ببینیم برای مقابله با دشمن

ما در دوره آموزشی به‌شدت این مهارت را تمرین می‌کنیم

عملیات حمله به کشتی وقتی است که تعدادی نیرو در نزدیکی لنگرگاه دشمن حاضر می‌شوند و دو مایل را زیر سطح آب شنا می‌کنند

این نیروها چیزی جز دستگاه اندازه‌گیری عمق و یک قطب‌نما همراه خود ندارند

زیر سطح آب، هم‌چنان مقداری نور را می‌توان دید و این امیدوارکننده است که بالای سر شما، آب‌های آزاد قرار دارند

اما وقتی نزدیک به کشتی می‌شوید، نور مذکور کم‌کم از بین می‌رود و ساختار فلزی کشتی جلوی نور ماه را می‌گیرد، جلوی چراغ‌های پیاده‌رو و خیابان را می‌گیرد و هر نور محوی را دفع می‌کند

برای انجام دادن موفقیت‌آمیز ماموریت، باید زیر کشتی شنا کنید تا یا به تیر ته کشتی برسید یا به منقطه مرکزی کف آن

این ماموریت شماست، اما تیر ته کشتی تاریک‌ترین بخش آن است؛ جایی که شما نمی‌توانید دست‌تان را جلوی صورت‌تان ببینید

جایی که صدای موتور و اجزای کشتی کرکننده است

جایی که به‌راحتی می‌توانید از مسیر خود منحرف شوید و شکست بخورید

اما همه می‌دانند در تاریک‌ترین بخش کشتی و تیر ته آن، می‌بایست در همان لحظات آرام باشید

آنجا باید برنامه‌ریزی کنید، آن‌جا جایی است که تمام مهارت‌های فیزیکی و تاکتیکی شما و انرژی درونی‌تان فعال شود

اگر می‌خواهید دنیا را تغییر بدهید، باید در تاریک‌ترین لحظه‌ها بهترین خود باشید

نهمین هفته دوره به ‌عنوان هفته جهنمی شناخته می‌شود

شش روز مداوم نمی‌خوابید و از نظر ذهنی و فیزیکی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرید و روز آخر را در دشت‌های گلی خواهید گذراند

دشت‌های گلی منطقه‌ای بین سن دیگو و تیوانا هستند، جایی که آب وارد خشکی شده و باتلاق‌هایی را به‌وجود می‌آورد

زمینی باتلاقی که در آن گل شما را فرا می‌گیرد

چهارشنبه هفته جهنمی است که شما در زمین‌های باتلافی پارو می‌زنید و می‌بایست ۱۵ ساعت در این منطقه مقاومت کنید و از سرمای طاقت‌فرسا جان سالم به در ببرید

باد زوزه‌کش و فشار بی‌امان از سمت مربی‌ها که می‌خواهند شما از نیروی دریایی شدن دست بکشید

تا این‌که در آن چهارشنبه خورشید غروب کرد، گروه من تصمیم گرفت قانون‌شکنی کند، قانون‌شکنی که در گل مجازات و دوباره قانون‌مند شد

گل ما را در خود غرق کرد تا زمانی که چیزی جز سرهایمان مشخص نبود

مربی‌ها به ما گفتند که ما می‌توانیم این منطقه را ترک کنیم، به شرطی که پنج نفر تسلیم بشوند

فقط پنج نفر برای آزادی از سرمای سوزان

با نگاه کردن به اطراف منطقه مشخص بود چند نفری می‌خواستند تسلیم شوند

۸ ساعت دیگر مانده بود تا خورشید طلوع کند

۸ ساعت بیشتر از سرمای استخوان‌سوز و دندان‌های لرزان و شیون‌های بلند دانش‌آموزها؛ شیون‌های که نمی‌‌گذاشت چیز دیگری را بشنوید

سپس صدایی در دل شب برخاست، صدای یک ترانه

ترانه‌ای که اصلا میزان هم نبود، اما با شوق تمام خوانده شد

یک صدا به دو صدا تبدیل شد و دو صدا به سه

قبل از این‌که متوجه شویم، همه داشتیم می خواندیم

مربی‌ها ما را تهدید کردند که از خواندن دست برداریم ولی ما ادامه دادیم

و به طریقی گل کمی گرم‌تر شد، باد کمی رام‌تر و طلوع خورشید نیز خیلی از ما دور نبود

اگر فقط یک چیز از سفرم به دور دنیا یاد گرفته باشم آن قدرت امید است

قدرت یک فرد، قدرت واشنگتن، لینکولن، ماندلا و حتی یک دختر از پاکستان به نام مالالا

یک فرد می‌تواند دنیا را تغییر بدهد اگر به دیگران امید بدهد

پس اگر شما می‌خواهید دنیا را تغییر بدهید، وقتی تا گردن در گل فرو رفته‌اید شروع کنید به خواندن

در نهایت، در دوره آموزشی یک زنگ وجود دارد

یک زنگ برنجی که در مرکز محل تمرین قرار داده شده تا همه آن را ببینند

همه کاری که باید برای خروج از دوره آموزشی انجام دهید (تکرار) این است که این زنگ را به صدا درآورید

زنگ را به صدا درآورید تا دیگر هیچ‌وقت مجبور نباشید ساعت ۵ صبح از خواب بیدار شوید

زنگ را به صدا درآورید تا دیگر مجبور نباشید شنا در آب‌های سرد را تحمل کنید

زنگ را به صدا درآورید تا دیگر مجبور نباشید در مسیر با مانع بدوید و بلغزید

زنگ را به صدا درآورید تا دیگر مجبور نباشید سختی‌های تمرین را تحمل کنید

فقط باید زنگ را به صدا در بیاورید تا بروید

اگر می‌خواهید دنیا را تغییر بدهید، هیچ‌وقت هیچ‌وقت زنگ را به صدا در نیاورید

خطاب به ورودی ۲۰۱۴، چیزی به فارغ‌التحصیلی شما باقی نمانده

چیزی باقی نمانده تا زندگی خودتان را از سر بگیرید

چیزی باقی نمانده تا تا دنیا را تغییر بدهید و آن را جای بهتری بکنید

این کار آسانی نیست، اما شما ورودی ۲۰۱۴ هستید، ورودی که قرار است زندگی ۸۰۰ میلیون انسان را طی قرن آینده تغییر دهد

هر روز را با انجام یک کار شروع کنید

کسی را پیدا کنید تا در مسیر زندگی به شما کمک کند

به همه احترام بگذارید

بدانید که زندگی عادل نیست و اغلب اوقات شما شکست خواهید خورد

اما اگر ریسک کنید و وقتی که در سخت‌ترین شرایط هستید رو به جلو قدم بردارید، با قلدرها مقابله خواهید کرد، از منجلاب شکست بیرون خواهید آمد

هیچ‌وقت و به هیچ‌وجه تسلیم نشوید

اگر این کارها را انجام دهید، نسل بعد و نسل‌های بعد در دنیایی زندگی می‌کنند که بسیار بهتر از دنیای الان ماست

و چیزی که از این‌جا شروع شد، حتما دنیا را به‌سوی بهتر شدن صیقل داده

خیلی ممنون

Clucking Horns